

## من تنها نیستم

کریم امامی

نویسنده این سطور سه سالی می‌شود که به‌طور جدی به تألیف یک فرهنگ جدید فارسی-انگلیسی مشغول است و مشغله‌های دیگر خود را به تدریج کنار نهاده است. دوستانی که از این موضوع مطلع می‌شوند همه با تعجب می‌پرسند "تنها؟"، و جواب می‌شوند "بله، تنها". آنان به حق انتظار دارند که تألیفی از این دست به صورت تیمی انجام بگیرد نه به صورت فردی، و حتماً فکر می‌کنند اگر کار گروهی باشد نتیجه بهتری گرفته خواهد شد. من هم معتقدم که در شرایط آرمانی کار گروهی، با پشتیبانی مالی خوب و با استفاده از همکاران شایسته و با مدیریت بالا حتماً می‌تواند نتایج بسیار نیکویی به بار آورد، و بهترین دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌های اروپایی و امریکایی همه ثمره کار دسته‌جمعی هستند. ولی ما اینجا در شرایط آرمانی زندگی نمی‌کنیم و همیشه چنین شرایطی برای تألیف کتاب‌های مرجع و از جمله فرهنگ‌های دوزبانه فراهم نیست. شاهد زنده طرح‌های در دست اجرا برای تألیف چندین دایرةالمعارف و فرهنگ دولتی یا برخوردار از وجوه عمومی است که پیشرفت‌شان به قدری کند است که بیشترشان بعد از دو دهه کار هنوز از حرف "الف" فراتر نرفته‌اند و حقیقتاً معلوم نیست که مؤلفان کنونی آن‌ها روزی با خوشحالی شاهد به پایان رسیدن مدخل‌های حرف "ی" باشند.

از این رو من وقتی سرانجام در مقابل اصرار ناشر، خود را به تألیف یک فرهنگ فارسی-انگلیسی جدید متعهد ساختم، به دلایلی ترجیح دادم کار را شخصاً به تنهایی انجام دهم. و مقصود از نگارش چند سطر حاضر آن است که به خوانندگان بگویم من در حقیقت تنها نیستم، به هیچ وجه.

یک فرهنگ‌نویس دوزبانه در خلاء کار نمی‌کند. کار او به زبان زنده مردم حد اقل دو کشور گره خورده است و مؤلفان فرهنگ‌های این دو کشور اولین همکاران وی هستند. برای من فرهنگ‌های فارسی موجود ابزارهای اولیه هستند: فرهنگ معین، فرهنگ فارسی امروز صدری افشار و همکاران، فرهنگ فارسی عامیانه ابوالحسن نجفی و در پشت این‌ها، لغتنامه دهخدا که خودش به تنهایی جامع همه فرهنگ‌های تدوین شده در سال‌های پیش از آن است. فکرش را بکنید. همه مؤلفان و دستیاران این فرهنگ‌ها مدرسان من هستند.

از آن طرف در حوزه زبان انگلیسی، قبل از هر چیز از فرهنگ بزرگ آکسفورد، بزرگترین فرهنگ زبان انگلیسی، با تمام امکانات جستجوی رایانه‌ای بهره می‌برم. تهیه این فرهنگ چندین دهه به درازا کشیده است و خدا می‌داند چند پژوهنده و فرهنگ‌نویس عمر خود را بر سر تکمیل آن گذاشته‌اند. از

فرهنگ‌های انگلیسی و امریکایی کوچک‌تر و جدیدتری نیز استفاده می‌کنم، از جمله از آخرین چاپ فرهنگ ادوانسد لرن انتشارات آکسفورد و از فرهنگ دانشگاهی میریام وبستر که برای تألیف هر کدام خیل انبوهی برگه‌نویس و ویراستار و دستیار رایانه کار زیر نظر یک ویراستار کل چندین سال به کار مشغول بوده‌اند. همهٔ فراهم‌آوردندگان این چند فرهنگ نیز مدرسان من هستند.

در زمینهٔ فرهنگ‌های دوزبانه اولین مدرسان من زنده‌یاد سلیمان حبیب است، مرد بزرگ فرهنگ‌نویسی ایران که نیمی از عمر خود را صرف پدید آوردن دو سری فرهنگ انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی (و بعضی فرهنگ‌ها و آثار دیگر) کرد و ماهمه امروز مبهوت دقت نظر و کوشایی او هستیم، آن هم در زمانی که هیچ یک از فرهنگ‌های فارسی معاصر هنوز تألیف نشده بود. حبیب به نوبهٔ خود از کار فرهنگ‌نویسان پیش از خود، آرتور وُلاستن و استینگاس، بهره گرفته بود. در این کار هیچ فرهنگ‌نویسی از کار مؤلفان پیش از خود بی‌نیاز نیست. من به هنگام ضرورت به فرهنگ فارسی-فرانسوی تألیف پرفسور ژیلبر لازار (و شادروان مهدی قوام‌نژاد) نیز مراجعه می‌کنم و معادل‌های فرانسوی آن را به انگلیسی برمی‌گردانم. بعضی از واژه‌های نو ساختهٔ فارسی در این فرهنگ اولین معادل‌های اروپایی خود را یافته‌اند. به فرهنگ‌های فارسی-آلمانی (فرهنگ یونگر-علوی و فرهنگ جدیدتر حسین پنبه‌چی) نیز نیم‌نگاهی دارم. این فرهنگ‌نویسان نیز مدرسان من هستند.

یک دایرةالمعارف عمومی (دایرةالمعارف فارسی سه‌جلدی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب و همکاران) و چندین و چند واژه‌نامه و فرهنگ تخصصی در پنجاه سال اخیر در ایران منتشر شده‌اند که هر کدام حاصل زحمات دو سه نسل کارشناس و محقق در شاخه‌های مختلف علم و معرفت هستند. از جمله فرهنگ اصطلاحات علمی بنیاد فرهنگ ایران (ویراستهٔ پرویز شهریاری)، واژه‌نامهٔ راه و ساختمان و معماری مهندس حبیب معروف، فرهنگ نام‌های گیاهان ایران تألیف ولی‌الله مظفریان، حیات وحش ایران: مهره‌داران، تألیف اسکندر فیروز، واژگان ریاضی گردآوردهٔ محمد باقری و بسیاری کتاب‌های مرجع دیگر. مؤلفان و ویراستاران این کتاب‌های ارزشمند نیز در زمرهٔ مدرسان من هستند.

به این ترتیب، با این همهٔ مأخذ مورد استفاده، بعضی ممکن است فکر کنند فرهنگ‌نویسی کار آسانی است. کافی است آدم در کتابخانه‌ای بنشیند، تعدادی فرهنگ گوناگون را دور خود بچیند و واژه‌ها و تعریف‌ها و معادل‌ها را از آن‌ها استخراج کند. درست است، بعضی فقط چنین می‌کنند. دانشجویی که تازه دانشگاه را پشت سر گذاشته و در آغاز راه است اگر یک فرهنگ جدید، مثلاً یک فرهنگ فرانسه-فارسی، تدوین کند عیناً چنین می‌کند. ولی فرهنگ‌نویس خوب کاری بیش از این می‌کند. فرهنگ‌نویسی که سال‌های طولانی با دو زبان کار کرده و قدرت سنجش واژه‌ها و عبارت‌ها را پیدا کرده باشد هر مدخل و معادل آن را در ذهنش مزه‌مزه می‌کند و هم‌ترازی آن را اندازه می‌گیرد و بعد به آن جواز عبور می‌دهد. صافی‌های ذهن مؤلف هستند که بعضی معادل‌ها را می‌پذیرند و برخی را طرد می‌کنند، و به این ترتیب فرهنگی شکل می‌گیرد که با وجود وامداری‌اش به کار فرهنگ‌نویسان و محققان پیش از خود به شکل

خاصی یگانه است و از شخصیت مؤلفش تأثیر پذیرفته است.

خب، بعد از نام بردن از مدد رسانان مکتوب، نوبت به افرادی می‌رسد که هر کدام به شکلی به من یاری می‌دهند. اول همسرم گلی، که امکان کار را برای من در محیطی آرام و فارغ از دغدغه فراهم آورده است؛ برادرم رحیم که در حل و فصل بسیاری مسائل فنی مددکار من است؛ دخترم هدیه در کانادا، که از راه دور بر انگلیسی دانی پدر صحنه می‌گذارد؛ دو ستم شمیم که نکته‌سنجی بی‌همتایش جلو بسیاری از لغزش‌های مرا می‌گیرد، و بسیاری از دوستان دیگر که هر کدام در زمینه تخصص خود بی‌هیچ چشمداشتی مشیر و مشار من هستند.

و این فهرست کوتاه‌شده مددکاران خود را نمی‌توانم به پایان برسانم بی‌آن‌که از قابل‌ترین دستیار خود نام ببرم: موجود خستگی‌ناپذیری که یکنه کار پنج دستیار را انجام می‌دهد، کار کردن در روز یا شب برایش یکسان است، بسیاری درهای بسته را به روی من می‌گشاید و زحمت حرفچینی را از روی دوش ناشرم برداشته است. درست حدس زده‌اید. این دستیار کامپیوتر من است. جالاده دوازده سالی می‌شود که کامپیوتر کار شده‌ام، در پیرانه‌سر زحمت یاد گرفتن کار با این دستگاه معجزه‌گر را بر خود هموار کردم و حالا ثمره‌اش را می‌برم. با امکانات کامپیوتر و اینترنت، جهان به اتاق کار من راه یافته است.

حالا با این تفصیل باز هم می‌پرسید «تنها»؟ نه، من به هیچ وجه تنها نیستم.